



## Sentencing Offences against the Administration of Justice in the ICC Judgments

*Sadegh Salimi<sup>1</sup>*

### Abstract

**Field and Aims:** On 27th November 2019 the first sentencing decision regarding offences against the administration of justice was confirmed and finalized by the ICC's Appeal Chamber judgment. Appropriate sentencing was very controversial; Trial Chamber suspended the imprisonment and determined that the principal perpetrator's punishment would be higher than the accessory to the crime. Appeal Chamber reversed the decision and returned to Trial Chamber VII to resentence. In the ICC, the trial chamber may on its own motion or at the request of the Prosecutor or the accused hold a further hearing to hear any evidence or submissions relevant to the sentence. Then it accepts or rejects the submissions of the parties one by one by its detailed reasoning. In this paper it is scrutinized whether it is recommendable for Iranian domestic law to follow the above procedure.

**Methodology:** This paper has used Descriptive-Analytical method by studying legal documents and judgments and analyzing them.

**Findings and Conclusion:** It is found that remanding sentences to the same Trial Chamber for a new substantive determination is in contradiction to legal principles and the provisions of the Rome Statute. Furthermore, it is found that the Appeal Chamber is strictly bound by the explicit wording of the Statute's provisions and does not agree with its expansion even if it is in the interests of the convicted person and of justice. The Appeals Chamber pays due attention to individualization of sentences and it deems the solvency as a relevant factor in determining appropriate sentence. In the ICC, the trial chamber may on its own motion or at the request of the Prosecutor or the accused hold a further hearing to hear any evidence or submissions relevant to the sentence. Then it accepts or rejects the submissions of the parties one by one by its detailed reasoning. This procedure is advisable for our domestic law.

**Keywords:** Offences against Administration of Justice, Sentencing, ICC, Individualization.

---

1. Associate Professor, Faculty of Law, Department of International Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
sadeghsalimi@yahoo.com

## جرایم علیه اجرای عدالت در آرای دیوان بین‌المللی کیفری

صادق سلیمی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

**زمینه و هدف:** در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۹ با حکم قطعی شعبه تجدیدنظر دیوان بین‌المللی کیفری، اولین مورد مجازات جرایم علیه اجرای عدالت در این دیوان به سرانجام رسیده و نهایی شد. تعیین مجازات در خصوص این جرایم فراز و نشیب‌هایی داشت؛ شعبه رسیدگی ابتدا مجازات‌ها را تعلیق و در استدلال خود تاکید نموده بود که مجازات مباشر، شدیدتر از مجازات معاون جرم است، ولی شعبه تجدیدنظر این رای را نقض و جهت تعیین مجدد مجازات به شعبه بدوی رسیدگی کننده اعاده نمود. شعب دیوان به ابتکار خود یا به درخواست دادستان یا متهم می‌تواند جلسه مستقلاً جهت تعیین مجازات برگزار کرده، تک‌تک دلایل طرفین را با استدلال قبول یا رد می‌کند. قابلیت اعمال این امر در حقوق داخلی در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است.

**روش تحقیق:** این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه اسناد و آرا به نقد و تحلیل آنها پرداخته‌ایم.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌ایم که ارجاع شعبه تجدیدنظر به دادگاه رسیدگی کننده و تحمیل نظرات خود با اصول حقوقی و مفاد اساس نامه مغایر بوده و همچنین، این نتیجه حاصل شده است که شعبه تجدیدنظر مقید به منطوق اساس نامه و قواعد دادرسی هست و تفسیر موسع هر چند به نفع متهم و یا به نفع عدالت را نیز بر نمی‌تابد. شعبه تجدیدنظر به اصل فردی کردن مجازات و توجه به ملائت شخص در تعیین مجازات جزای نقدی اهمیت خاصی داد.

**واژه‌های کلیدی:** جرایم علیه عدالت، دیوان بین‌المللی کیفری، فردی کردن، مجازات.

۱. دکتر صادق سلیمی، دانشیار دانشکده حقوق، گروه حقوق بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران. [sadegsalimi@yahoo.com](mailto:sadegsalimi@yahoo.com)



جنایات مشمول صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری (زین پس «دیوان») در ماده ۵ اساس‌نامه این دیوان احصاء شده و در مواد بعدی تعریف شده‌اند. این جنایات چهارگانه شامل نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز می‌باشد. اجرای صحیح قوانین کیفری اهمیت کمتری از جرم‌انگاری جنایات مهم ندارند. به عبارت دیگر، چنانچه بهترین قوانین نیز وضع و انتشار یابند، ولی به درستی اجرا نشوند، هیچ اهمیت و خاصیتی نخواهد داشت. یکی از مشکلاتی که در سر راه اجرای عدالت قرار می‌گیرد، اعمال نفوذ بر ارکان اساسی اجرای عدالت از قبیل افساد شهود و کارکنان نظام عدالت کیفری می‌باشد. برای مقابله با این موارد، علاوه بر چهار جنایت بین‌المللی که در صلاحیت دیوان هستند، مطابق ماده ۷۰ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری، دیوان صلاحیت تعقیب کیفری و مجازات جرایم علیه عدالت را نیز دارد.

«ضرورت حمایت از فرآیند اجرای عدالت، جرم‌انگاری رفتارهایی با عنوان جرایم علیه اجرای عدالت را گریزناپذیر می‌سازد. اجرای عدالت کیفری بین‌المللی در دادگاه‌های بین‌المللی نیازمند وجود حاکمیت قانون در فرآیند دادرسی است. بدین روی، در چند دهه اخیر، در محاکمه‌ی جرایم بین‌المللی ضرورت وجود جرایم علیه اجرای عدالت احساس شده است. در دیوان‌های موردی رسیدگی به جرایم بین‌المللی، مواردی از این دست جرایم را می‌توان مشاهده نمود. هرچند قانون منسجم یا موضوعه‌ای در آن زمان برای رسیدگی به این جرایم وجود نداشت، اما قضات این محاکم برای حفظ نظم دادگاه و با الهام از نظام کامن‌لا اقدام به ایجاد صلاحیت ذاتی در رسیدگی به این جرایم نمودند و به محاکمه رفتارهایی پرداختند که در فرآیند رسیدگی این محاکم اخلال ایجاد می‌نمود و در نهایت منجر به این شد که در اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی هم این موضوع مورد توجه قرار گیرد و درباره چگونگی رسیدگی به این جرایم و صلاحیت دادگاه، دو ماده ۷۰ و ۷۱ اساس‌نامه - با عنوان جرایم علیه اجرای عدالت و سوءرفتار در محضر دادگاه - به همراه قواعد ۱۶۲ تا ۱۶۷ آیین‌نامه قواعد دادرسی و ادله به جرم‌انگاری این جرایم در فرآیند دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی بپردازند.» (میرمحمد صادقی و عابد، ۱۳۹۱: ۹۸).



این نوشتار منصرف از مباحث فلسفی در خصوص کارآمدی اصل مجازات و اینکه آیا اساساً می‌بایست دیوان کسی را مجازات کند یا نه، می‌باشد. در این خصوص، برخی اساس مجازات را زیر سوال برده‌اند.<sup>۱</sup> همچنین، برخی قدرت بازدارندگی مجازات‌ها و اقدامات دیوان بین‌المللی کیفری را زیر سوال برده‌اند که این مباحث موضوعاً از شمول این نوشتار خارج است و می‌توان به منابع موجود مراجعه نمود.<sup>۲</sup> در خصوص جرایم علیه اجرای عدالت منابع فارسی متعددی به رشته تحریر درآمده است که در این نوشتار از پرداختن به آن‌ها خودداری نموده و خوانندگان محترم را به مطالعه منابع ارجاع می‌دهیم.<sup>۳</sup> این نوشتار در صدد بررسی عوامل تشدید و تخفیف مجازات در دیوان بین‌المللی کیفری یا محاکم کیفری سابق بر آن نیز نمی‌باشد و در این ارتباط، می‌توان به منابع دیگر مراجعه کرد.<sup>۴</sup>

در دیوان بین‌المللی کیفری اولین حکم محکومیت به اتهام جرایم علیه اجرای عدالت در وضعیت جمهوری آفریقای مرکزی در سال ۲۰۱۶ صادر و مجازات‌های آن در ۲۰۱۷ تعیین شد. لیکن، شعبه تجدیدنظر دیوان در سال ۲۰۱۸ مبادرت به نقض احکام مجازات نمود. شعبه رسیدگی اجرای مجازات را معلق نموده بود و این را جزء اختیارات ذاتی دادگاه قلمداد می‌کرد؛

1. Sergej Vasiliev, 2019, PUNISHMENT RATIONALES IN INTERNATIONAL CRIMINAL JURISPRUDENCE: TWO READINGS OF A NON-QUESTION, Amsterdam Law School Legal Studies Research Paper No. 2019-47 Amsterdam Center for International Law No. 2019-25, University of Amsterdam,

2. H. Jo and B. Simmons, (2016) 'Can the International Criminal Court Deter Atrocity?' 70 INTERNATIONAL ORGANIZATION 443

۳. یکرنگی، محمد. جرایم علیه اجرای عدالت قضایی (مطالعه تطبیقی)، انتشارات خرسندی، چاپ دوم ۱۳۹۱؛ کوشا، جعفر، ۱۳۸۱، جرایم علیه عدالت قضایی، انتشارات میزان، ۱۳۸۱ چاپ اول؛ و کاظمی، مهرداد و یاور فضلی، ۱۳۸۸، جرایم علیه عدالت قضایی مطالعه تطبیقی حقوق ایران و لبنان با نگرشی به کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، بهار و تابستان ۱۳۸۸، شماره ۴۶ و ۴۷، صفحه ۱۲۳ تا ۱۶۴.

۴. سلیمی، صادق «عوامل تشدید مجازات در آرای دیوان بین‌المللی کیفری»، دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره شانزدهم، شماره ۱۸، پاییز-زمستان ۱۳۹۸، ص. ۱۶۹-۱۹۸؛ رضوی‌فرد، بهزاد، ۱۳۹۳، «کیفیات مشدده در فرآیند کیفردهی جنایات بین‌المللی»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۳، صص. ۶۹-۸۹ و رضوی‌فرد، بهزاد، ۱۳۹۵، «کیفیات مخففه کیفر در اسناد و آراء محاکم کیفری بین‌المللی»، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۹۵، ص ۹-۳۴؛



بدین نحو که اختیار اعمال مجازات یا تبرئه‌ی شخص در بطن خود، اختیار تعلیق مجازات را نیز دارد؛ لیکن شعبه تجدیدنظر با نقض این رای تصریح نمود که اختیارات شعب دیوان محدود و منحصر به موارد تصریح شده می‌باشد. همچنین، در خصوص تعیین میزان مجازات مباشر و شریک و معاون جرم، شعبه تجدیدنظر، رای بدوی را نقض کرد. پس از اعاده پرونده به شعبه رسیدگی و تعیین مجازات براساس نظر دادگاه تجدیدنظر، نهایتاً شعبه تجدیدنظر در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۹، حکم مجازات را تایید نمود. در این نوشتار با مطالعه این آرا در صدد هستیم اصول تفسیری حاکم بر شعب دیوان در مقام تعیین مجازات برای جرایم علیه اجرای عدالت را در پرتو مقررات اساس نامه استخراج و تحلیل کنیم. ابتدا، مختصری در خصوص جرم‌انگاری و احراز مجرمیت این پدیده مجرمانه مطالعه نموده و آنگاه به تعیین مجازات می‌پردازیم.

## ۲- جرم‌انگاری و احراز مجرمیت

مطابق ماده ۲۲ اساس نامه دیوان صراحتاً اصل قانونی بودن جرایم پذیرفته شده و تصریح شده است که هیچ‌کس به موجب این اساس نامه مسئولیت کیفری نخواهد داشت، مگر اینکه در زمان ارتکاب فعل مورد نظر به عنوان یک جرم تحت صلاحیت دیوان تعریف شده باشد. بنابراین، باید ماده یا مواد قانونی مربوط به جرم‌انگاری این عمل مجرمانه را مورد مطالعه قرار داد. از سوی دیگر، در دیوان، احراز مجرمیت و محکومیت شخص به ارتکاب جرم متمایز از مرحله تعیین مجازات و محکومیت به تحمل مجازات است. مطابق اصل قانونی بودن، جرم‌انگاری لازمه هرگونه تعقیب کیفری هست و قبل از تعیین مجازات، ارتکاب جرم و مجرمیت شخص باید احراز شود. بدین سان، ابتدا جرم‌انگاری و آنگاه احراز مجرمیت در دیوان را بررسی می‌کنیم تا زمینه ورود به مبحث اصلی که تعیین مجازات است، فراهم شود.

## ۲-۱- جرم‌انگاری

رسیدگی به جرایم اجرای عدالت قبل از دیوان نیز در محاکم کیفری بین‌المللی خاص سابق دارد، هر چند صریحاً در اساس نامه این دیوان‌ها چنین جرمی پیش‌بینی نشده بود. شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ در این



خصوص اینگونه اظهار نظر کرد: دیوان دارای صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به این جرائم است، صلاحیتی که ناشی از اجرای وظیفه قضایی است تا اطمینان حاصل شود در اجرای صلاحیتی که صریحاً در اساس نامه مقرر شده، اخلاقی ایجاد نمی‌شود و کارکردهای قضایی دیوان در مسیری امن تامین می‌گردد. بنابراین، دیوان به عنوان یک نهاد بین‌المللی باید دارای اختیارات ذاتی محاکمه رفتارهایی باشد که در فرآیند دادرسی اخلاقی ایجاد می‌کنند. میزان و محتوای این اختیار ذاتی، با مراجعه به منابع مرسوم حقوق بین‌الملل مشخص می‌شود (شاباس، ۲۰۱۰: ۸۵۴).<sup>۱</sup> جرایم علیه اجرای عدالت اگرچه در اساس نامه دادگاههای کیفری بین‌المللی خاص تصریح نشده بود، ولی در قواعد دادرسی و ادله آنان تصریح شده بود. در این خصوص می‌توان به قاعده‌ی ۹۱ از قواعد دادرسی و ادله‌ی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و همچنین، قاعده‌ی ۹۱ از قواعد دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا اشاره نمود. در این مواد، مجازات حبس تا هفت سال و همچنین، جزای نقدی تا صد هزار یورو و پیش‌بینی شده که دادگاه می‌تواند یکی از این دو مورد یا هر دو را در خصوص محکوم علیه اعمال نماید. در قاعده ۹۱ دادگاه ویژه سیرالئون نیز ضمانت اجرای کیفری چنین جرمی جزای نقدی یا دو سال حبس یا هر دو مورد پیش‌بینی شده است.

در اساس نامه دیوان این عمل صریحاً جرم‌انگاری و تعقیب آن در صلاحیت دیوان قرار گرفته است. ماده ۷۰ اساس نامه تحت عنوان «جرایم علیه اجرای عدالت» در بند ۱ مقرر می‌دارد: «دیوان نسبت به جرایم زیر که به صورت عمدی علیه اجرای عدالت دیوان ارتکاب یابند، صلاحیت خواهد داشت:

الف) ادای شهادت دروغ وقتی که شخص به موجب ماده ۶۹ بند ۱ ملتزم به راستگویی شده باشد؛

ب) ابراز مدارکی که شخص می‌داند دروغ یا جعلی است؛

ج) اعمال نفوذ فسادآمیز بر شاهد، ایجاد مانع یا مزاحمت در خصوص حضور یا ادای شهادت شاهد، انتقام‌گیری علیه شاهد بخاطر ادای شهادت یا تخریب و تحریف یا دخالت در جمع‌آوری ادله؛ ...»

1 (Schabas, 2010: 854).



فلسفه وجودی این ماده آن است که اجازه دهد دیوان بتواند رسالت خود را در تعقیب جرایم تحت صلاحیت خود به درستی به انجام برساند. بند ۱ ماده ۷۰ خود از زیر بندهای متعدد تشکیل شده است. زیربندهای (الف) تا (ج) به منظور حمایت از قابلیت استناد و اعتبار ادله‌ی ابراز شده به دیوان می‌باشند که این امر را با جرم‌انگاری مداخله‌ی ناروا در ارائه ادله به انجام می‌رساند. زیربندهای (د) (ه) و (و) بند ۱ ماده ۷۰ اساس نامه<sup>۱</sup> در صدد حمایت از کارآمدی و صحت پرونده‌ی قضایی از طریق جرم‌انگاری رفتار غیرقانونی که کارکنان دیوان مرتکب شوند، می‌باشد (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۶: ۱۲).

جرایم علیه اجرای عدالت در واقع جرم‌انگاری رفتارهایی هستند که اجرای عدالت را با بن‌بست مواجه و یا به بیراهه می‌برد. به عبارت دیگر، صحت و سلامت و کارآمدی نظام قضایی در گرو مقابله و مبارزه با اقداماتی است که صحت کارکرد آن را با تهدید و چالش مواجه می‌کند. علاوه بر مواد ۷۰ و ۷۱ اساس نامه دیوان، قواعد ۱۶۲ تا ۱۷۲ از قواعد آیین دادرسی و ادله (زین پس «قواعد») نیز به تفصیل به این امر پرداخته‌اند.

جرایم مندرج در ماده ۷۰ اساس نامه در مقایسه با جنایات مندرج در ماده ۵ اساس نامه که شامل جنایات علیه بشریت، نسل‌زدایی، جنایات جنگی و تجاوز می‌شود، جنبه‌ی فرعی و تبعی دارند، به این معنی که جرایم ماده ۷۰ به منظور عملکرد صحیح سیستم دیوان و جلوگیری از تحریف روند اجرای عدالت در رسیدگی به جنایات بین‌المللی فوق تدوین شده‌اند و الا ذاتاً در صلاحیت دیوان نیستند. بنابراین، این جرایم فقط در رابطه با رسیدگی‌های انجام شده در خود دیوان قابل اعمال هستند؛ یعنی اگر ممانعت از اجرای عدالت یا تحریف اجرای عدالت در خصوص سایر مراجع قضایی ولو اینکه در خصوص جنایات مشمول صلاحیت دیوان ارتکاب یابند، این دیوان صالح به رسیدگی به این موارد نمی‌باشد. از سوی دیگر، چون این جرایم ذاتاً جنایات بین‌المللی نیستند، لذا شرایط و اوصاف آن‌ها را ندارند و احراز

۱. ۵) ایجاد مانع، تهدید یا نفوذ فسادآمیز بر یک مأمور دیوان به منظور واداشتن یا تعقیب آن مأمور به عدم انجام یا انجام نادرست وظایفش؛ ۵) انتقام گرفتن یا تلافی علیه یک مأمور دیوان بخاطر وظایفی که توسط آن شخص یا مأمور دیگر دیوان انجام یافته باشد؛ و) مطالبه یا قبول رشوه به عنوان مأمور دیوان در ارتباط با وظایف رسمی مأمور.

2. (ICC,2016:12)



پیش شرط‌های مربوط به جنایات بین‌المللی قابل ترتیب اثر نیست. برخلاف جنایات چهارگانه اصلی مشمول صلاحیت دیوان که در تحقق آن‌ها و قابلیت رسیدگی آن جرایم در دیوان مطابق ماده ۱۷ اساس‌نامه، احراز «شدت» جنایت ارتكابی شرط است، در خصوص جرم علیه اجرای عدالت چنین شرطی وجود ندارد. بند ۲ قاعده ۱۶۳ از قواعد دیوان نیز اجرای ماده ۱۷ اساس‌نامه نسبت به جرایم ماده ۷۰ از جمله مباحث مربوط به شدت عمل مطابق زیربند (د) بند ۱ ماده ۱۷ اساس‌نامه را نفی می‌کند. در ۲۷ مارچ ۲۰۱۶ شعبه رسیدگی دیوان نیز اشاره کرد که ملاحظات مربوط به شدت یا منافع عدالت در خصوص جرایم مشمول ماده ۷۰ قابل استناد نیستند (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۶: ۱۲).<sup>۱</sup>

جرایم مندرج در ماده ۷۰ بنا به تصریح صدر ماده، منحصراً جرایم عمدی را شامل می‌شوند. مطابق بند ۲ ماده ۳۰ اساس‌نامه «از نظر اساس‌نامه شخص زمانی قصد دارد که: الف) در رابطه با فعل شخص قصد انجام فعل را داشته باشد؛ و ب) در رابطه با نتیجه آن شخص بخواهد که آن نتایج حاصل شود یا آگاه باشد که در حالت عادی امور چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود.» بنابراین، اگر شخص آگاهی به مجرمانه بودن فعل نداشته باشد، احتمالاً قصد نیز منتفی می‌گردد و یا اگر قصد فعل مجرمانه یا تحصیل نتیجه مجرمانه نداشته باشد، این جرم محقق نمی‌شود.

## ۲-۲- احراز مجرمیت (محکومیت به ارتکاب جرم)

در دیوان پس از تکمیل تحقیقات در دادسرا، پرونده به طور مستقیم به دادگاه رسیدگی کننده ارجاع نمی‌شود؛ بلکه وفق ماده ۶۱ اساس‌نامه ابتدا به شعبه «پیش محاکمه»<sup>۲</sup> جهت تأیید یا رد اتهامات ارجاع می‌شود. در صورت تأیید، پرونده به شعبه رسیدگی یا محاکمه، جهت محاکمه و حسب مورد تبرئه یا محکومیت شخص به ارتکاب جرم می‌شود و در صورت اخیر متعاقباً تعیین مجازات می‌گردد.

شعبه‌ی پیش‌محاکمه‌ی دوم در تصمیم‌گیری خود در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۴ احراز کرد که

1. ( ICC,2016:12)

2. Pre-Trial





ادله کافی وجود دارد که مابین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ مظنونین ژان پیر بمبا گامبو، ایم کیلولو موسامبا، ژان ژاک منجندا کابانگو، فیدل بابالا واندو و نارسیس آریدو<sup>۱</sup> در مکان‌های مختلف از قبیل هلند، بلژیک، سوئد، پرغال، جمهوری کنگو، جمهوری دموکراتیک کنگو و کامرون با درگیر نمودن چهارده شاهد که به نفع متهم شهادت داده بودند، مرتکب جرایم علیه اجرای عدالت شده‌اند (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۴: ۴۷-۵۵).<sup>۲</sup> این اتهامات بر اساس بندهای الف تا ج بند ۱ ماده ۷۰ اساس‌نامه شامل جرایم نفوذ فسادآمیز بر شهود، ارائه ادله غیرواقعی و شهادت دروغ دادن با قید التزام به راستگویی می‌باشند. این جرایم به شیوه‌های مختلفی از قبیل مباشرت، مشارکت، تطمیع، ترغیب، مساعدت، معاونت یا شیوه‌های دیگر همکاری در ارتکاب آن‌ها روی داده‌اند. در خصوص آقای آریدو فقط در مورد چهار نفر از شهود اتهامات تایید شد (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۶: ۱۱-۱۲).<sup>۳</sup>

آقای بمبا از اتباع جمهوری دموکراتیک کنگو در سال ۱۹۶۲ در بوداکا<sup>۴</sup> کنگو متولد شد. او عضو مجلس سنای کنگو و رئیس جنبش آزادی کنگو بود. به دنبال صدور حکم جلب، وی در تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۰۸ دستگیر و به دیوان تسلیم شد و به جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی متهم شد. جریان رسیدگی به این اتهامات که «قضیه اصلی» نامیده می‌شوند، از ۲۲ نوامبر ۲۰۱۰ تا ۱۳ نوامبر ۲۰۱۴ به طول انجامید و بمبا در ۲۱ مارچ ۲۰۱۶ به این جرایم محکوم و در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۶ مجموعاً به ۱۸ سال حبس محکوم شد. آقای بمبا در مرکز بازداشت دیوان در طول این مدت بازداشت بود. آقای کیلولو از اتباع کنگو متولد ۱۹۷۰ در کینشاسا<sup>۵</sup> و ساکن بلژیک و عضو کانون وکلای بلژیک از ۲۰۰۱ و سر تیم وکلای آقای بمبا بود. آقای منجندا از اتباع کنگو متولد ۱۹۷۹ در کینشاسا و فعلاً ساکن انگلیس و قبل از دستگیری آقای بمبا در قضیه‌ی اصلی، تیم وکلای وی را مدیریت می‌کرد. آقای بابالا از اتباع کنگو متولد ۱۹۵۶ در کینشاسا و فعلاً ساکن کنگو همکار نزدیک سیاسی آقای بمبا در کنگو

1. Jean-Pierre Bemba Gombo, Aime Kilolo Musamba, Jean-Jacques Mangenda Kabongo, Fidele Babala Wandu and Narcisse Arido
2. (ICC, 2014: 47-55)
3. (ICC, 2016: 11-12)
4. Bodaka
5. Kinshasa



بود. آقای آریدو از اتباع جمهوری آفریقای مرکزی متولد ۱۹۷۸ فعلا ساکن فرانسه عضو نیروهای مسلح آفریقای مرکزی حداقل تا سال ۲۰۰۱ بود که پس از آن به کامرون نقل مکان کرد. آقای آریدو به عنوان یکی از شهود متهم در قضیه‌ی اصلی بود، ولی نهایتاً شهادت نداد (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۶: ۱۰-۱۱).<sup>۱</sup>

در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۶ ژان پیر بمبا گامبو، ایم کیلولو موسامبا، ژان ژاک منجندا کابانگو، فیدل بابالا واندو و نارسیس آریدو به اتهام جرایم علیه اجرای عدالت در خصوص نفوذ فسادآمیز عمدی بر شهود و تطمیع آنان با شهادت دروغین و غیرواقعی شهود متهم در پرونده دیگری که علیه بمبا در دیوان بین‌المللی کیفری مطرح بود (قضیه اصلی)، مجرم شناخته شدند. در تاریخ ۸ مارچ ۲۰۱۸ شعبه تجدیدنظر دیوان به اتفاق آرا در خصوص اعتراض محکومین در ارتباط با آقای بمبا، آقای کیلولو و آقای کابانگو بخاطر جرم مندرج در زیربند ب بند ۱ ماده ۷۰ اساس نامه حکم اولیه را نقض و متهمین را از این اتهام تبرئه کرد. در خصوص سایر محکومیت‌هایی که شعبه هفتم رسیدگی در خصوص پنج محکوم علیه صادر کرده بود، دادگاه تجدیدنظر تمامی موارد را عیناً تایید نموده و این محکومیت‌ها به ارتکاب جرایم قطعیت یافتند (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۱۶).<sup>۲</sup>

منظور از شاهد در ماده ۷۰ اساس نامه کسی است که یا بطور شخصی یا از طریق فناوری صدا یا ویدیو به مسائل موضوعی مطابق دانش شخصی خود شهادت می‌دهد. اصطلاح شاهد همچنین به کارشناسی اطلاق می‌شود که علم تخصصی در مورد مسئله موضوعی یا حقوقی خاصی دارد و از این طریق ممکن است نظر خود را بر اساس اطلاعات یا تجربه دست اول، خویش ابراز نماید. در حالی که تمایزی بین شهود عادی و شهود کارشناس وجود دارد، این تمایز بر قلمرو زیربند الف بند ۱ ماده ۷۰ اساس نامه تاثیری نمی‌گذارد. شهود تا پایان پروسه رسیدگی، صرف نظر از اینکه جلسه معوق شده باشد یا نه، تحت التزام باقی می‌مانند (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۶: ۱۵).<sup>۳</sup> طبق بند ۱ قاعده ۶۶ قواعد دادرسی و ادله شاهد ملتزم می‌شود کل حقیقت را بگوید و هیچ چیز جز حقیقت نگوید. جرم مشمول زیربند الف بند ۱ ماده ۷۰

1. (ICC,2016: 10-11)

2.9. (ICC,2018:16)

3.. (ICC,2016:15)



اساس نامه زمانی ارتکاب می‌باید که شاهد عمداً امر دروغی را تایید می‌کند یا وقتی مستقیماً از وی سوال می‌شود، واقعیت درستی را نفی می‌کند. همچنین است وقتی که از شاهد بطور مستقیم چیزی پرسیده نمی‌شود، ولی او عمداً اطلاعاتی را که واقعیت دارند، کتمان می‌کند. این امر با مسائلی که در مورد آن تجسس می‌شود، ارتباط تفکیک‌ناپذیری دارد. وکلای مدافع آریدو استدلال می‌کنند که زیربند مزبور فقط شامل عمل مثبت (فعل) از جانب شاهد می‌شود و نباید به نحوی تفسیر شود که شامل ترک فعل و حفظ اطلاعات باشد. شعبه با چنین تفسیر مضیقی موافق نیست؛ اولاً، به این جهت که سیاق وسیع زیربند مزبور اجازه چنین تفسیر مضیقی را نمی‌دهد، با توجه به اینکه شهادت شاهد فقط با عمل مثبت انجام نمی‌گیرد، بلکه همچنین ترک فعل‌هایی که توسط شعبه به موقع ارزیابی ادله بطور کلی در نظر گرفته می‌شوند نیز لحاظ می‌گردد. ثانیاً، مطابق زیربند الف بند ۱ ماده ۷۰ اساس نامه، شاهد ملزم می‌شود تمام حقیقت را بگوید که وی را متعهد می‌کند از کتمان واقعیات مرتبط خودداری کند. ثالثاً، با تفسیر فلسفی و توجه به غایت این بند نیز درک وسیع‌تر از این جرم حاصل می‌شود. این مقرر شهودی را که قضات را در تحقیقات خود در جهت رسیدن به حقیقت گمراه می‌کنند، مجازات می‌کند؛ اگر شهود از گفتن واقعیت امتناع کنند، آن‌ها ادله یا شهادت صحیحی ابراز نکرده‌اند. بالاخره مطابق زیربند مزبور حتی اگر شاهد شهادت دروغ ندهد، بلکه فقط جزئی از حقیقت را بگوید نیز مسئول است. البته، این همه در صورتی است که شهود عمداً اینگونه عمل کرده باشند؛ یعنی عمداً از بیان برخی واقعیات امتناع کرده باشند (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۶: ۱۸).<sup>۱</sup>

نظر به اینکه هدف اصلی این نوشتار بررسی و تحلیل تعیین مجازات و اصول حاکم بر آن است، لذا دامنه بحث را در خصوص جرم و مجرمیت کوتاه نموده و به مبحث مجازات می‌پردازیم.



### ۳- تعیین مجازات

بر اساس ماده ۲۳ اساس نامه اصل قانونی بودن مجازات‌ها صریحاً پذیرفته شده و مقرر گردیده است که مرتکبین جرایم صرفاً مطابق این اساس نامه و مجازات‌های مندرج در آن قابل مجازات هستند. در تعیین مجازات جرایم علیه اجرای عدالت باید به مواد (۳) ۷۰، ۷۶، (الف) ۷۷(۲) و ۷۸ اساس نامه و قواعد ۱۴۵، (۱) ۱۶۳ و ۱۶۶ قواعد توجه داشت. در بند ۳ ماده ۷۰ اساس نامه در خصوص میزان مجازات جرایم علیه اجرای عدالت مقرر شده است که محکوم‌علیه به مدتی زندان تا پنج سال یا به جزای نقدی مطابق قواعد آیین دادرسی و ادله و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. با توجه به اینکه این جرایم شدت مورد نظر در جنایات بین‌المللی مندرج در ماده ۵ را ندارند، لذا در مقایسه با مجازات جنایات بین‌المللی که مطابق ماده ۷۷ اساس نامه حبس موقت تا سی سال و یا حتی حبس ابد می‌تواند باشد، در این خصوص حداکثر مدت مجازات محکوم‌علیه پنج سال حبس می‌باشد و حتی می‌تواند صرفاً جزای نقدی باشد.

### ۳-۱- مقررات حاکم بر تعیین مجازات

شعبه در مقام تعیین مجازات به زیربندهای الف و ج بند ۱ ماده ۲۱ و ماده ۲۳ و بند ۳ ماده ۷۰ و ماده ۷۶ و زیربند ب بند ۲ ماده ۷۷ و ماده ۷۸ اساس نامه و قاعده ۱۴۵ و بند ۱ قاعده ۱۶۳ و ۱۶۶ قواعد دادرسی و ادله دیوان استناد می‌کند. قسمت اول بخش ۹ قواعد به جرایم علیه اجرای عدالت به موجب ماده ۷۰ اساس نامه اختصاص یافته است. در خصوص جرایم علیه اجرای عدالت، برخی قواعد متفاوت از جنایات بین‌المللی پیش‌بینی شده است. برای مثال، مطابق قاعده ۱۶۴ برای این جرایم مرور زمان ۵ ساله پیش‌بینی شده است؛ این در حالی است که در جنایات بین‌المللی مطابق ماده ۲۹ اساس نامه مرور زمان پذیرفته نمی‌شود. قاعده ۱۶۳ در سه بند تقریر یافته است: در بند ۱ اشاره شده که به جز موارد مندرج در بندهای ۲ و ۳ قاعده ۱۶۲ و قواعد ۱۶۴ تا ۱۶۹، اساس نامه و قواعد با اعمال تغییرات لازم در خصوص رسیدگی، تعقیب و مجازات جرایم مندرج در ماده ۷۰ اجرا خواهند شد. در بند ۲ اشاره شده



که مندرجات بخش ۲ اساس نامه و قواعد مربوط به آن به استثناء ماده ۲۱<sup>۱</sup> اجرا نخواهند شد و در بند ۳ مقرر شده است که مندرجات بخش ۱۰ اساس نامه به جز مواد ۱۰۷، ۱۰۳، ۱۰۹ و ۱۱۱ و قواعد مربوط به آن‌ها اجرا نخواهند شد. شعبه رسیدگی با استناد به قاعده ۱۶۳، بند ۳ ماده ۷۰ اساس نامه و قاعده ۱۶۶ از قواعد، معتقد است چهارچوب اساس نامه‌ای مربوط به جنایات بین‌المللی دگرگون شده و حقوق خاصی در خصوص جرایم ماده ۷۰ پیش‌بینی شده است. بند ۲ قاعده ۱۶۶ اشاره می‌کند که ماده ۷۷ اساس نامه بجز در خصوص اعمال جزای نقدی، در خصوص این جرایم قابل اعمال نیست. سایر بندهای این قاعده نیز مقررات خاصی در خصوص نحوه اعمال مجازات ماده ۷۰ اساس نامه پیش‌بینی کرده‌اند و بند ۳ ماده ۷۰ حداکثر مجازات حبس ۵ سال را پیش‌بینی نموده است. شعبه رسیدگی از تلفیق بند ۱ ماده ۷۸ اساس نامه و قاعده ۱۴۵ به این نتیجه می‌رسد که باید در تعیین مجازات شدت جرم ارتكابی و اوضاع و احوال فردی شخص محکوم‌علیه را در نظر بگیرد (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۷: ۹).<sup>۲</sup> شعبه تجدیدنظر دیوان به شرح زیر قواعد حاکم بر تعیین مجازات در خصوص جرایم علیه اجرای عدالت را خلاصه می‌کند: برای جرایم ماده ۷۰، شعبه می‌تواند مجازات حبسی که از پنج سال تجاوز نکند یا جزای نقدی یا هر دو را اعمال کند. وقتی شخصی به بیش از یک جرم محکوم شود، شعبه برای هر یک از جرایم مجازاتی جداگانه و سپس، مجازاتی مشترک تعیین می‌کند که این مجازات مشترک و نهایی نباید از حداکثر مجازاتی که برای هر یک از جرایم پیش‌بینی شده، کمتر باشد. باید بین تمام عوامل -از جمله عوامل مشدده و مخففه- در تعیین مجازات توازن حاصل شود. نبود کیفیات مخففه به معنی وجود یک کیفیت مشدده نیست. شعبه باید از استناد به یک عامل مشدده بیش از یک بار اجتناب ورزد؛ هر چند بعضی وقایع ممکن است بیش از یک بار مورد توجه و استناد قرار گیرد. اگر شخص قبلاً به دستور دیوان در بازداشت مانده باشد، به محض اعمال مجازات، مدت بازداشت باید کسر شود (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۱۰).<sup>۳</sup> آنچه تحت عنوان شدت جنایت در بند ۱ ماده ۷۸ اساس نامه و وسعت خسارات وارده و میزان مشارکت شخص محکوم‌علیه در زیربند ج بند ۱ قاعده ۱۴۵ اشاره شده و کیفیات مشدده احصاء

۱. ماده ۲۱ اساس نامه «حقوق قابل اجرا» در دیوان را بیان می‌کند.

2. (ICC, 2017: 9)

3. (ICC, 2018: 10)



شده در زیربند ب بند ۲ قاعده ۱۴۷ بطور دقیق قابل تمایز نیستند. با این حال، برخی عوامل و وقایع بطور منطقی ممکن است در بیش از یک مقوله قرار گیرند. آنچه اهمیت دارد این نیست که این عامل در کدام مقوله قرار می‌گیرد؛ بلکه، این است که عوامل مربوطه توسط شعبه رسیدگی کننده مورد توجه قرار گیرند و ارزش منطقی به هر یک از آن‌ها در تعیین میزان مجازات داده شود و به دقت از اینکه یک عامل بیش از یک جا مورد استناد قرار گیرد، اجتناب شود (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۷).<sup>۱</sup> آثار یک جرم یا جنایت تا حدی که شخص محکوم علیه می‌توانست چنین آثاری را پیش‌بینی کند یا حداقل در عالم واقع قابل پیش‌بینی توسط محکوم علیه بودند، به عنوان عامل مشدده در تعیین مجازات مورد توجه قرار می‌گیرند. در تعیین میزان مجازات، شعبه رسیدگی کننده باید از جمله شدت جنایت شامل خسارت وارده را در نظر بگیرد. با این حال، با توجه به اینکه مجازات تعیین شده باید میزان بزه کاری محکوم علیه را انعکاس دهد، باید نشان داده شود که این آثار حداقل قابل پیش‌بینی بودند. این امر هم در خصوص ارزیابی شدت جرم هم در خصوص کیفیات مشدده‌ی بالقوه قابل اجرا هستند. اگر غیر از این باشد، این خطر وجود دارد که شخص فراتر از میزان بزه کاری خود محکومیت پیدا کند (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۷).<sup>۲</sup> چنانچه متهمی بخاطر حکم جلب‌های مختلف در قضایای متفاوت بازداشت شده باشد، مدت زمانی که در بازداشت بوده است، در مقام اعمال بند ۲ ماده ۷۸ اساس‌نامه قابل ترتیب اثر هستند (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۷).<sup>۳</sup> اشاره شعبه به حکم جلب صادر شده برای آقای بمبا در قضیه اصلی به اتهام جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی و متعاقباً حکم جلب و بازداشت به استناد جرایم علیه اجرای عدالت بود. نظر به اینکه از اتهامات قضیه اصلی در شعبه تجدیدنظر تبرئه شد، لذا مدت بازداشت باید برای مجازات جرایم علیه اجرای عدالت لحاظ شود.

### ۳-۲- میزان مجازات در احکام صادر شده

شعبه هفتم رسیدگی در تاریخ ۲۲ مارچ ۲۰۱۷ در خصوص محکومین به شرح زیر مجازات تعیین نمود:

1. (ICC, 2018: 7)
2. (ICC, 2018: 7)
3. (ICC, 2018: 7)



آقای فیدل بابالا واندو به تحمل شش ماه حبس با کسر مدتی که به دستور دیوان در بازداشت بوده؛ بنابراین، مجازات حبس پایان یافته است.

آقای نارسیس آریدو به تحمل مجموعاً یازده ماه حبس با کسر مدتی که به دستور دیوان در بازداشت بوده؛ بنابراین، مدت حبس وی تمام شده است.

آقای ژان ژاک منجندا کابانگو به تحمل مجموعاً دو سال حبس با کاهش مدتی که به دستور دیوان در بازداشت بوده و تعلیق مدت باقی مانده از زندان به مدت سه سال به نحوی که مجازات اجرا نخواهد شد مگر این که در طول این مدت آقای منجندا کابانگو مرتکب جرم دیگری در هر جایی شود که با مجازات حبس ضمانت می‌شود، شامل جرایم علیه اجرای عدالت.

آقای کیلولو موسامبا مجموعاً به دو سال و شش ماه حبس با کسر مدتی که به دستور دیوان در بازداشت بوده؛ جریمه‌ای معادل سی هزار یورو که باید ظرف سه ماه پرداخت شود. تعلیق مدت باقی مانده از محکومیت به حبس به مدت سه سال به این نحو که اگر آقای کیلولو در ظرف سه ماه جزای نقدی را پرداخت کند، زندان اجرا نخواهد شد مگر اینکه در مدت تعلیق مرتکب جرم دیگری از جمله جرایم علیه اجرای عدالت شود که با مجازات حبس قابل مجازات باشد.

آقای ژان پیر بمبا گامبو به تحمل یک سال حبس اضافه بر حبسی که قبلاً محکوم شده که بلافاصله پس از مجازات قبلی و بدون تعلیق اجرا می‌شود. از این حبس مدت بازداشتی کسر نمی‌شود و جزای نقدی معادل سیصد هزار یورو که ظرف سه ماه باید پرداخت شود (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۹۸-۹۹).<sup>۱</sup>

در ۸ مارچ ۲۰۱۸ شعبه تجدیدنظر دیوان مجازات‌های اولیه علیه بمبا گامبو، کیلولو موسامبا و کابانگو را نقض کرد و موضوع را جهت تصمیم‌گیری مجدد در خصوص مجازات به شعبه هفتم رسیدگی اعاده نمود. بند ۲ ماده ۸۳ اساس‌نامه مقرر می‌دارد که اگر شعبه تجدیدنظر به این نتیجه برسد که موضوع تجدیدنظر خواهی و تصمیم‌گیری شعبه بدوی غیر عادلانه است، به نحوی که اعتبار تصمیم یا محکومیت را مخدوش می‌کند یا اینکه تصمیم

1. (ICC,2017: 98-99)



یا محکومیت به مجازات مورد تجدیدنظرخواهی تحت تاثیر اشتباه موضوعی یا حکمی یا رویه‌ای قرار گرفته است، ممکن است: الف) تصمیم یا محکومیت صادره را نقض یا اصلاح کند. ب) به شعبه جدیدی دستور دهد که محاکمه جدیدی برگزار نماید. بدین منظور، شعبه تجدیدنظر می‌تواند یک امر موضوعی را به شعبه رسیدگی اولیه جهت تصمیم‌گیری و گزارش شعبه تجدیدنظر اعاده کند یا ممکن است خود وارد رسیدگی به ادله و تصمیم‌گیری در خصوص موضوع شود. وقتی تصمیم یا محکومیت فقط توسط محکوم‌علیه مورد تجدیدنظر واقع شده باشد، شعبه تجدیدنظر نمی‌تواند علیه وی تصمیم‌گیری نماید. بنابراین، مشخص است که اگر دادستان علیه حکم محکومیت به مجازات اعتراض نموده و آن را نامتناسب و کم بداند، در این صورت دادگاه تجدیدنظر می‌تواند در خصوص تشدید مجازات نیز تصمیم‌گیری و حسب مورد مجازات شدیدتر را خود تعیین و یا به شعبه بدوی ارجاع نماید. در بند ۳ ماده ۸۳ پیش‌بینی شده است که اگر شعبه تجدیدنظر مجازات مورد تجدیدنظرخواهی را نامتناسب با جنایت تشخیص دهد، ممکن است مطابق بخش ۷ مجازات را تغییر دهد. از مطالعه‌ی ماده ۸۳ به نظر می‌رسد که شعبه تجدیدنظر اصولاً یا باید مجازات نقض شده را خود از ابتدا تعیین کند و یا به شعبه هم‌عرض دیگری ارجاع دهد و لیکن، نقض و ارجاع به همان شعبه جهت تعیین مجازاتی دیگر در اساس نامه پیش‌بینی نشده و برخلاف اصول به نظر می‌رسد. خود شعبه تجدیدنظر این اقدام خود را این‌گونه توجیه می‌کند که اختیار نقض و ارجاع از اختیار نقض محکومیت در مواردی که اشتباهات اساسی موثر بر مجازات احراز شود، ناشی می‌شود. برای اینکه اگر مجازات نقض شود، مجازات جدیدی باید تعیین گردد. شعبه تجدیدنظر با در نظر گرفتن اوضاع و احوال خاص این قضیه از جمله با در نظر گرفتن ماهیت جرایم و اشتباهات رخ داده، ارجاع وضعیت به همان شعبه صادرکننده رای محکومیت را مناسب‌ترین راهکار دانست (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۱۴۶).<sup>۱</sup> اشاره شعبه به صدور رای محکومیت به «جرم» هست. شعبه‌ای که شخص را به ارتکاب جرمی محکوم نموده، شایسته است مجازات مناسب را نیز تعیین کند.

در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۸، شعبه هفتم رسیدگی در مقام تعیین مجدد مجازات پس

1. (ICC,2018: 146)





از نقض در شعبه تجدیدنظر برای محکومین به شرح زیر تعیین مجازات می‌کند: ژان ژاک منجندا کابانگو مجموعاً به یازده ماه حبس که مدتی که به دستور دیوان در بازداشت بوده از حبس کم می‌شود؛ بنابراین، مدت حبس اجرا شده است. آقای کیلولو موسامبا مجموعاً به یازده ماه حبس؛ مدتی که به دستور دیوان در بازداشت بوده از مدت حبس کسر است. بنابراین، مجازات حبس اجرا شده است، به اضافه سی هزار یورو جزای نقدی که آقای کیلولو باید ظرف سه ماه پرداخت کند. آقای بمبا گامبو مجموعاً به یک سال حبس؛ مدتی که به دستور دیوان در بازداشت بوده، از حبس کم می‌شود و بنابراین، مجازات حبس اجرا شده است و جزای نقدی معادل سیصد هزار یورو که باید ظرف سه ماه پرداخت شود (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۵۰-۵۱).<sup>۱</sup>

شعبه رسیدگی در تعیین مجازات به موضوع مورد شهادت دروغ اشاره نمود که به ماهیت قضیه اصلی مربوط نمی‌شد و لذا، این مسئله را لحاظ نکرد. دادگاه تجدیدنظر این امر را خارج از اختیارات شعبه بدوی دانست که صرفاً به ماهیت دعوا مربوط نبودن شهادت بها داده شود. البته، شعبه تجدیدنظر اصولاً موافق اهمیت دادن به مسائل مورد شهادت بود؛ ولی با این امر که در ارزیابی شدت جرایم به «ماهیت» مربوط بودن یا نبودن موضوع شهادت، بها داده شود، مخالف بود و لذا، ایجاد سلسله‌مراتب در ارزیابی شدت عمل بر اساس امور مربوط به ماهیت دعوا و غیر آن را درست نمی‌دانست (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۱۳).<sup>۲</sup>

شعبه رسیدگی کننده این استدلال و کلای بمبا را که دادستان موقع بازجویی از دروغ بودن شهادت شهود آگاهی داشت و نهایتاً شهود در خصوص کسی شهادت دروغ دادند که وی نهایتاً تبرئه شد و لذا شهادت تأثیری نداشت و این امر باید کیفیت مخففه تلقی شود، بی‌مبنا تلقی کرد. از نظر شعبه این موارد شدت جرایم یا رفتار مجرمانه مرتکب را کاهش نمی‌دهند (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۱۵).<sup>۳</sup>

شعبه خاطر نشان می‌سازد که در رسیدگی مربوط به تعیین مجازات همواره این قضیه مستقل از قضیه اصلی بوده است. از ابتدا، شعبه تصمیم گرفت که ارزیابی ماهیت قضیه اصلی

1. (ICC,2018: 50-51)
2. ((ICC,2018: 13)
3. (ICC,2018: 15)



را به حداقل ممکن تقلیل دهد. این امر از نظر شکلی به نفع متهم صورت گرفته؛ در غیر این صورت می‌توانست یک تحقیقات طولانی‌تر، گسترده‌تر و مضاعفی را به خود اختصاص دهد. استقلال این قضیه از قضیه اصلی موجب شده است که شهادت دروغی که صرفاً به امور غیر ماهیتی مربوط بوده است، اهمیت چندانی در ارزیابی نداشته باشد (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۱۵).<sup>۱</sup>

آقای بمبا به استناد اینکه شعبه رسیدگی از دستورات شعبه تجدیدنظر تبعیت نکرده و اشتباهات شکلی و رویه‌ای داشته و از صلاح دید خود در اعمال مجازات متناسب سوءاستفاده کرده، از این محکومیت تجدیدنظر خواهی نمود. شعبه تجدیدنظر در تاریخ ۴ سپتامبر ۲۰۱۹ برای استماع استدلال‌های طرفین جلسه‌ای را برگزار نمود. در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۹، شعبه تجدیدنظر هر سه دلیل تجدیدنظر خواهی آقای بمبا را رد و رای بدوی را تایید و استوار نمود. در این رای، شعبه تجدیدنظر به دو نکته کلیدی اشاره می‌کند: اول اینکه مقایسه مجازات‌هایی که به اشخاص مختلف اعمال می‌شود، بدون در نظر گرفتن وقایع خاص و اوضاع و احوال فردی هر شخص بی‌فایده است. دوم اینکه بررسی ملائت شخص به عنوان عامل مرتبط برای تعیین جزای نقدی اشتباه نیست؛ ملائت در دادگاه‌های مختلف به عنوان یک عامل موثر در نظر گرفته شده و منطق اساسی آن اثر بازدارندگی می‌باشد (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۹: ۵-۷).<sup>۲</sup> با وجود اینکه در نتیجه حکمی که ابتدا از شعبه رسیدگی صادر شده بود، با آنچه که پس از نقض توسط دادگاه تجدیدنظر صادر می‌شود، تفاوت چندانی به چشم نمی‌خورد، لیکن حکم اخیر به راحتی توسط شعبه تجدیدنظر تأیید می‌شود. این امر نشان می‌دهد که شعب دیوان به نحوه استدلال بیشتر از نتیجه ارزش قائل هستند.

### ۳-۳- تعلیق مجازات و تمایز مجازات معاون از مباشر و شرکای جرم

شعبه هفتم رسیدگی دیوان با وجود سکوت اساس نامه و قواعد، به امکان تعلیق مجازات حبس اعتقاد داشت و مبادرت به تعلیق کرده بود؛ ولی شعبه تجدیدنظر چنین اختیاری را

1. (ICC,2018: 15)

2. (ICC,2019: 5-7)



برای شعب رسیدگی قائل نشد. همچنین، شعبه بدوی مجازات معاون را کمتر از مباشر و شریک جرم تلقی کرد؛ ولی شعبه تجدیدنظر چنین امری را در تمامی موارد نپذیرفت. این دو مطلب چون مهمترین موارد اختلاف شعبه تجدیدنظر با بدوی و مبنای نقض رای اولیه بودند، نیاز به مطالعه با تفصیل بیشتری دارند.

### ۳-۳-۱- امکان یا عدم امکان تعلیق مجازات

در دادنامه مورخ ۲۲ مارچ ۲۰۱۷، شعبه رسیدگی (بدوی) در خصوص امکان تعلیق مجازات حبس به مواردی اشاره می‌کند که حائز اهمیت است. شعبه اذعان دارد که اساس نامه و قواعد در خصوص امکان تعلیق مجازات حبس ساکت هستند. همچنین، از نظر شعبه مندرجات مربوط به آزادی موقت یا کاهش مجازات پس از محکومیت موضوع ماده ۱۱۰ اساس نامه، در خصوص تعلیق مجازات قابلیت اجرا ندارند؛ چون برای مراحل متفاوتی از رسیدگی پیش‌بینی شده‌اند و ماهیت متفاوتی دارند. بنابراین، در اساس نامه خلأیی وجود دارد که با اجرای مقررات از طریق قیاس یا معیارهای تفسیر مطابق با مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات و بند ۳ ماده ۲۱ اساس نامه نمی‌تواند پر شود (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۷: ۱۶).<sup>۱</sup>

شعبه اشاره می‌کند که در یک سر این راه (اختیارات)، اساس نامه به شعبه اجازه می‌دهد که مجازات حبس اعمال کند و در سر دیگر به شعبه اجازه می‌دهد که هیچ مجازاتی را اعمال نکند. اگر این اقدامات امکان‌پذیر هستند، مطمئناً قدم میانی - که همانا تعلیق مجازات هست - نیز امکان‌پذیر است. اگر غیر از این باشد، نتیجه غیر عادلانه‌ای حاصل خواهد شد که شخص محکوم‌علیه باید الزاماً حبس بدون قید و شرطی را تحمل کند؛ حتی اگر شعبه نظری خلاف این داشته باشد. شعبه در تقویت نتیجه‌گیری خود به استدلال دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز استناد می‌کند که استدلال کرده بود اختیار تعلیق مجازات حبس در ذات اختیار اعمال این مجازات نهفته است.<sup>۲</sup> در نتیجه، این شعبه نیز به

1. (ICC, 2017:16)

2. ICTY, Prosecutor v. Jelena Rasic, No. IT-98-32/1-R77.2-A, Judgement, 16 November 2012



این نتیجه می‌رسد که اختیار تعلیق مجازات حبس در ذات اختیار اعمال مجازات نهفته است (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۷: ۱۶-۱۷).<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد استدلال شعبه در خصوص اختیارش دایر بر اینکه می‌تواند «هیچ مجازاتی اعمال نکند»، صحیح نیست؛ زیرا نه ماده ۷۰ و نه مواد ۷۶ الی ۷۸ یا هیچ یک از مواد اساسنامه یا قواعد دادرسی و ادله با وصف احراز مجرمیت و محکومیت به ارتکاب جرم یا جنایت، اجازه عدم اعمال مجازات نمی‌دهند و شعبه تجدیدنظر نیز همواره بر ضرورت اعمال مجازات متناسب تاکید کرده است. هر چند در ماده ۷۰ به حبس یا جزای نقدی یا هر دو اشاره شده، ولی برای اعمال یا عدم اعمال این مجازات‌ها شعبه باید استدلال کافی داشته باشد.

شعبه تجدیدنظر معتقد است که اختیارات شعبه رسیدگی در تعیین مجازات، محدود به تعیین مجازات متناسب از میان مجازات‌های احصاء شده در اساس‌نامه و تعیین میزان آن می‌باشد. در خصوص مجازات‌های تدوین نشده یا سازوکارهای اعمال مجازاتی که مورد تصریح واقع نشده یا پیش‌بینی نشده‌اند، از قبیل تعلیق مجازات هیچ‌گونه اختیارات ذاتی وجود ندارد (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۷).<sup>۲</sup> بنابراین، از نظر شعبه تجدیدنظر، با تفاسیر موسع هر چند به نفع متهم تمام شود یا از دید دادگاه عادلانه‌تر باشد، نمی‌توان سازوکارهای پیش‌بینی نشده در دیوان را به آن وارد کرد.

### ۳-۲- تمایز مجازات معاون از مباشر و شرکای جرم

شعبه موقع تعیین مجازات مابین جرایمی که شخص به عنوان شریک مرتکب شود، با مواردی که به عنوان معاون مرتکب شود، قائل به تمایز شد و در خصوص جرایم زیر بند الف بند ۱ ماده ۷۰ که شخص به عنوان معاون محکوم می‌شود، مجازات‌های کمتری نسبت به جرایم موضوع زیربند ج بند ۱ ماده ۷۰ که شخص به عنوان شریک محکوم می‌شود، اعمال نمود (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۱۶).<sup>۳</sup>

شعبه تجدیدنظر معتقد بود که بطور کلی و با تساوی تمام شرایط، شخصی که به تنهایی

1. ICC, 2017: 16-17)
2. (ICC,2018: 7)
3. (ICC,2018:16)



مرتکب جرمی می‌شود، دارای بزه کاری و سوءنیت بیشتری از کسی است که در جرم دیگران همکاری می‌کند. با این حال، ضرورتاً مرتکب اصلی یک جرم استحقاق مجازات سنگین‌تری از معاون همان جرم ندارد (آی‌سی‌سی، ۲۰۱۸: ۱۶).<sup>۱</sup>

دادگاه تجدیدنظر اشاره می‌کند که تفاوت بین مباشرت در ارتکاب یک جرم و همکاری در جرم دیگران عموماً خود را در درجات مختلف همکاری در عملیات اجرایی و یا قصد به معنی مندرج در قاعده‌ی (۱۴۵)(۱)(ج) از قواعد، نشان می‌دهد. با این حال، این بدان معنی نیست که مرتکب اصلی (مباشر) جرم یا جنایت ضرورتاً مجازات بیشتری از معاون آن جرم یا جنایت دارد. این امر بستگی به تمام متغیرها و اوضاع و احوال هر قضیه خاصی دارد. این امر را باید در دنباله و تکمیل مفهوم نهاد یا کارگزاری مشترک جنایی که برای اولین بار در آرای دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق به کار رفت، دانست. «مطابق این مفهوم، اعضای گروهی که دارای هدف یا برنامه مشترک هستند، در پاره‌ای اوقات علاوه بر مسئولیت در برابر جرایم مورد توافق، در مقابل همه جرایمی که نتیجه طبیعی و قابل انتظار آن طرح مشترک بوده و پیش‌بینی آن برای اعضاء امکان‌پذیر باشد، مسئول شناخته می‌شوند. در حقوق بین‌الملل کیفری عموماً بین افراد درگیر در جرم از جهت مسئولیت تفاوتی نیست.» (کاسسه، ۱۳۸۷: ۲۲۲).

«نظریه فعالیت مجرمانه مشترک بر دو عنصر مهم مادی و معنوی جنایت متمرکز است. عنصر مادی، امکان مداخله و میزان مشارکت در رفتار جنایی را بررسی می‌کند. عنصر معنوی نیز بر فرض وجود قصد و اراده مرتکب در عمل انتسابی تکیه دارد.» (میرزایی مقدم و خالقی، ۱۳۹۷: ۱۶۲). در تعریف جنایت تجاوز در سال ۲۰۱۰، حتی این امر وارونه شده است؛ یعنی نه تنها رئیس سیاسی یا فرمانده نظامی با مرتکبین مستقیم این جنایت مسئولیت مشترک دارد، بلکه اساساً مرتکبین دون پایه که فقط مجری دستورات بودند، مسئولیتی ندارند؛ بلکه مسئولیت متوجه فرمانده نظامی یا رئیس سیاسی است.<sup>۲</sup>

1. (ICC, 2018:16)

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص جنایت تجاوز در دیوان رک: پورخاقان، زینب، ۱۳۸۹، «بررسی جرم تجاوز در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، پژوهش‌های حقوقی: بهار و تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۱۷؛ سلیمی، صادق، (۱۳۹۳)، «ارتباط شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری در پرتو کنفرانس کامپالا».



## نتیجه گیری

در اکتبر ۲۰۱۶، اولین مورد محکومیت اشخاص به جرایم علیه اجرای عدالت در شعبه رسیدگی دیوان صادر شد و در مارچ ۲۰۱۷، مجازات پنج نفر محکومین توسط شعبه هفتم دادگاه رسیدگی مشخص و آنگاه شعبه تجدیدنظر در ۸ مارچ ۲۰۱۸ برخی از این مجازات‌ها را نقض کرد. علت نقض عمدتاً این بود که شعبه رسیدگی اختیار تعلیق ندارد و اینکه همواره مجازات معاون از مباشر کمتر نیست. سپس، شعبه تجدیدنظر پرونده را جهت تعیین مجدد مجازات به همان شعبه هفتم رسیدگی ارجاع نمود و شعبه اخیر در ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۸ مجدداً مجازات تعیین نمود که عملاً همان مجازات‌های قبلی بود و لیکن به جهت احتساب مدت بازداشت و کسر از مدت حبس، عمدتاً مجازات حبس تحمل و اتمام یافته بود. در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۹، دادگاه تجدیدنظر حکم مجازات را تایید و اولین حکم محکومیت در خصوص جرایم علیه اجرای عدالت قطعی و مختومه شد. اولاً، شعبه بدوی در تعلیق مجازات به نوعی به اصول منطقی «اذن در شی اذن در لوازم آن است» و همچنین، غایت‌گرایی روی آورده بود، ولی شعبه تجدیدنظر عملاً هرگونه تفسیر موسع از مواد اساس نامه و قواعد دادرسی و ادله را هر چند به نفع متهم و عادلانه باشد، غیرمجاز و خلاف اصول تلقی کرد و پایبندی خود به منطوق این مقررات را نشان داد که البته، از حیث تحول و پیشرفت، مانع از هرگونه پویایی خواهد بود و از این حیث، تصمیم شعبه تجدیدنظر قابل نقد است. از جهت دیگر، شعبه تجدیدنظر پرونده را به همان شعبه هفتم رسیدگی کننده جهت تعیین مجازات جدید بر وفق نظر دادگاه تجدیدنظر اعاده نمود. این امر به نظر مغایر با اصول حقوقی می‌رسد و از مواد اساس نامه نمی‌توان استنباط نمود که در امور ماهوی شعبه تجدیدنظر مجاز باشد شعبه بدوی را وادار به اظهار نظری برخلاف آن چیزی که استدلال نموده است، بنماید. بدیهی است که خود شعبه تجدیدنظر می‌توانست نظر خود را اعمال و رای مقتضی صادر کند یا به شعبه هم‌عرض ارجاع نماید؛ ولی به شعبه بدوی اعاده نمود. شعبه بدوی با استدلال‌های متفاوت

مجله پژوهش حقوق عمومی، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۴۳؛ موسی‌زاده، رضا و حسین فروغی‌نیا، (۱۳۹۱)، «قطعه‌نامه کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کامپالا (ژوئن ۲۰۱۱)»، فصلنامه راهبرد، تابستان ۱۳۹۱، سال بیست و یکم، شماره ۶۳؛ نژندی‌منش، هیبت‌الله و وحید بذار، (۱۳۹۶)، «تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری و جنایت تجاوز»، آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز زمستان ۱۳۹۶، شماره ۱۴.



به همان نتیجه اولیه خود رسید و شعبه تجدیدنظر همین نتیجه را تایید کرد. بنابراین، در دید شعب دیوان، استدلال به هیچ وجه اهمیت کمتری از نتیجه ندارد، بدین نحو که هر چند نتیجه گیری نهایی حاصل از رای، همان مجازات بود؛ ولی استدلال می بایست تغییر می کرد که این امر نظر شعبه تجدیدنظر را تامین نمود. شعبه تجدیدنظر در رای قطعی خود به فردی کردن مجازات و نیز بررسی ملائمت محکوم علیه در تعیین جزای نقدی اهمیت خاصی قائل می شود. همچنین، در دیوان تفکیک مرحله تعیین احراز مجرمیت و محکومیت شخص به ارتکاب جرم از مرحله تعیین مجازات و محکومیت محکوم علیه به تحمل مجازات موجب می شود امکان استدلال های مفصل برای طرفین در مورد مجازات متناسب خصوصاً دادستان از یک سو و وکلای متهم از سوی دیگر فراهم شود. با وجود اینکه رای محکومیت به جرم در ۸ مارچ ۲۰۱۸ در دادگاه تجدیدنظر قطعیت یافته بود، ولی بحث تعیین مجازات تا نوامبر ۲۰۱۹ ادامه یافت تا مجازات متناسب و عادلانه ای تعیین شود. تفکیک این دو مرحله در حقوق داخلی ایران نیز بسیار قابل توصیه است.

### تشکر و قدردانی

از همه دست اندرکاران فصلنامه علمی م بین المللی پلیس که در امور علمی، اجرایی، ویراستاری و انتشار این مقاله مرا یاری نمودند، صمیمانه قدردانی و تشکر می کنم.



منابع:

الف) فارسی

- پورخاقان، زینب (۱۳۸۹). «بررسی جرم تجاوز در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، پژوهش‌های حقوقی: بهار و تابستان ۱۳۸۹- شماره ۱۷؛ ص. ۵۲۷-۵۴۲.
- رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۳). «کیفیات مشدده در فرآیند کیفردهی جنایات بین‌المللی»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۳، صص ۶۹-۸۹.
- رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۵). «کیفیات مخفیه کیفر در اسناد و آراء محاکم کیفری بین‌المللی»، پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۹۵، صص ۹-۳۴.
- سلیمی، صادق (۱۳۹۳). «ارتباط شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری در پرتو کنفرانس کامپالا»، مجله پژوهش حقوق عمومی، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۴۳؛ ص. ۱۶۳-۱۸۴.
- سلیمی، صادق (۱۳۹۸). «عوامل تشدید مجازات در آرای دیوان بین‌المللی کیفری»، دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره شانزدهم، شماره ۱۸، پاییز-زمستان ۱۳۹۸، ص. ۱۶۹-۱۹۸.
- کاسسه، آنتونیو (۱۳۸۷). «حقوق کیفری بین‌المللی»، زهرا موسوی، اردشیر امیرارجمند و حسین پیران (مترجم)، ناشر: جنگل، جاودانه.
- کاظمی، مهرداد و فضل‌ی، یاور (۱۳۸۸). «جرایم علیه عدالت قضایی مطالعه تطبیقی حقوق ایران و لبنان با نگرشی به کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد»، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، بهار و تابستان ۱۳۸۸، شماره ۴۶ و ۴۷، صص ۱۲۳-۱۶۴.
- کوشا، جعفر (۱۳۸۱). «جرایم علیه عدالت قضایی، انتشارات میزان، چاپ اول.
- موسی‌زاده، رضا و فروغی‌نیا، حسین (۱۳۹۱). «قطعنامه کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کامپالا (ژوئن ۲۰۱۱)»، فصلنامه راهبرد، تابستان ۱۳۹۱، سال بیست و یکم، شماره ۶۳؛ ص. ۱۴۱-۱۷۳.
- مومنی، مهدی (۱۳۹۵). «اصول قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۵ پاییز-زمستان ۱۳۹۵، ص. ۱۵۹-۱۸۴.
- میرزایی مقدم، مرتضی و خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۷). رویکرد افتراقی به عنصر معنوی جرم در نظریه فعالیت مجرمانه مشترک در پرتو آرای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موردی، نشریه علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان ۹۷؛ ص. ۱۶۱-۱۸۸.





-میرمحمد صادقی، حسین و عابد، رسول (۱۳۹۱). جرایم علیه اجرای عدالت کیفری در اساس نامه دادگاه کیفری بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱، ص ۹۷-۱۲۰.

-نژندی منش، هیبت‌الله و بذار، وحید (۱۳۹۶). «تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری و جنایت تجاوز»، آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز-زمستان ۱۳۹۶، شماره ۱۴، ص. ۲۰۱-۲۲۴.

-یکرنگی، محمد (۱۳۹۱). جرایم علیه اجرای عدالت قضایی (مطالعه تطبیقی)، انتشارات خرسندی، چاپ دوم.

(ب) انگلیسی

Retrieved from:

- ICC-01/05-01/13-1989-Red 19-10-2016 NM T;
- ICC-01/05-01/13-749 11-11-2014 EO PT ;
- ICC-01/05-01/13-2275-Red 08-03-2018 NM;
- ICC-01/05-01/13-2123-Corr 22-03-2017 NM T;
- ICC-01/05-01/13-2276-Red 08-03-2018 NM;
- ICC-01/05-01/13-2312 17-09-2018 EK T;
- ICC-01/05-01/13-2351 27-11-2019 EK T;
- Jo, H., and B. Simmons, (2016). 'Can the International Criminal Court Deter Atrocity?' 70 INTERNATIONAL ORGANIZATION 443.
- Schabas, William, (2010). **The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute**, OUP.
- Vasiliev, Sergey, (2019). **PUNISHMENT RATIONALES IN INTERNATIONAL CRIMINAL JURISPRUDENCE: TWO READINGS OF A NON-QUESTION**, Amsterdam Law School Legal Studies Research Paper No. 2019-47 Amsterdam Center for International Law No. 2019-25, University of Amsterdam.